

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحه: ۱۲۳-۱۰۳

بررسی و تبیین پدیده تحمل اجتماعی در فضای اجتماعی شهر اصفهان^۱

معصومه کرمانشاهی^۲، سید علی هاشمیانفر^{۳*}، فریدون وحید^۴

چکیده: امروزه زندگی اجتماعی شهری از طرفی با آمیختگی فرهنگها، مذاهب و قومیتها روبروست و از طرفی دیگر گسترش و افزایش روابط اجتماعی میان افراد، از این رو تحمل تفاوتها و ناهمگونیها مسئله قابل اهمیتی محسوب می شود. در واقع تحمل اجتماعی با مفهوم احترام و پذیرش تنوعات، راهکاری برای تنظیم تعاملات افراد و گروههای متفاوت به شمار می آید هر آنچه باعث بهبود روابط اجتماعی شود باعث کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی شده و پیرو آن جامعه را به سمت اهداف توسعه پایدار پیش می برد. این تحقیق با تکیه بر نظریات و گت دورکیم، موتزو آدورنو و هور کهایمر انجام شده است. پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ باهدف تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر تحمل اجتماعی شهروندان شهر اصفهان، تعداد ۴۶۱ نفر با استفاده از نرم افزار Gpower را از طریق نمونه گیری طبقه ای انتخاب کرده و بعد از جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه در نرم افزار SPSS 22 تجزیه و تحلیل کرده است یافته های تحقیق نشان داد که بین متغیرهای دین داری (۰/۳۰۸) و هوش فرهنگی (۰/۳۸۳) با متغیر تحمل اجتماعی رابطه معنادار و مستقیم و بین متغیرهای اقتدارطلبی (۰/۲۵۰-) و تفکر قالبی (۰/۱۵۱-) با متغیر تحمل اجتماعی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

واژگان کلیدی: زندگی شهری، تحمل اجتماعی، هوش فرهنگی، اقتدارطلبی، دین داری

^۱ مقاله مستخرج از رساله دکتری خانم معصومه کرمانشاهی با عنوان «عوامل جامعه شناختی مؤثر بر تحمل اجتماعی در شهر اصفهان» می باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان در حال انجام است.

^۲ دانشجوی دکتری، گروه جامعه شناسی فرهنگی، دانشکده جامعه شناسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران.

^{۳*} دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ نویسنده مسئول:

Email:seyedalihashemianfar@yahoo.com

^۴ استاد، گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

با پیدایش شهرها رفته‌رفته تغییرات بسیاری در زندگی انسان ایجاد شد. این تغییرات به گونه‌ای است که همگام با گسترش شهرنشینی علاوه بر تأثیر انسان بر شهر، شهر نیز گویی هویت مستقل داشته و بر انسان تأثیر می‌گذارد. به این صورت روش زندگی و تفکر انسان متحول شد که برای حفظ تداوم زندگی شهری لازم بوده است.

شهر مجموعه‌ای از فضاهاست که انسان‌ها خود آن را سازمان‌دهی می‌کنند راپوپورت^۱ (۱۹۶۹) معتقد است فضاها مجموعه‌هایی پویا از صحنه‌ها هستند. صحنه محدوده‌ای از فضا است که نظامی از فعالیت‌ها را درون خود جای می‌دهد به صورتی که رفتارها با محیط درون آن فضا روابط قابل‌انتظار به وجود می‌آورند. انسان‌ها با زندگی در فضا رابطه‌ای پیوسته و متقابل با آن برقرار می‌کنند از آن تغذیه می‌شوند از آن تغییر پذیرفته و آن را تغییر می‌دهند، در آن فضا حرکت می‌کنند و با این حرکت خود در آن فضا معنا می‌آفرینند، اجزای فضا را به نشانه‌های معناداری برای خود تبدیل می‌کنند و یا نشانه‌هایی از بیرون بر فضا می‌افزایند (فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۳۷). فضای شهری به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مفهوم فضا از مقوله فضا مستثنا نیست بدین معنی که ابعاد اجتماعی و فیزیکی شهر رابطه‌ای پویا با یکدیگر دارند. در واقع فضای شهری مشتمل بر دو فضای اجتماعی و فیزیکی می‌شود (مدنی پور، ۱۳۷۹، ۴۸). امروزه با افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی مسائل و مصائبی در این فضای شهری پدیدار شده است. به‌طوری‌که شاهد مشکلات اقتصادی همچون کاهش ارزش پول ملی و هزینه‌های بالای زندگی، مشکلات زیست‌محیطی مثل آلودگی هوا و آلودگی صوتی، مشکلات اجتماعی مانند خشونت و نزاع هستیم.

در پارادایم توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری به ابعاد اجتماعی و اقتصادی و زیست‌محیطی توجه می‌شود تا همه‌ی جنبه‌های زندگی شهری را پوشش دهد توسعه پایدار اجتماعی به دنبال رفاه فیزیکی ذهنی و اجتماعی افراد و به تبع

آن بالا بردن سطح کیفیت زندگی است چراکه مفهوم پایداری اجتماعی عمدتاً با ابعاد کیفی همگام است. پایداری اجتماعی به معنای حفظ و بهبود بخشی سرمایه اجتماعی یعنی شکل‌دهی جوامعی همگن و یکپارچه با منافع متقابل دارای ارتباط و تعامل میان گروه‌های مردمی جامعه‌های دارای احساس ترحم صبوری قابلیت انعطاف و تابع عشق وفاداری که گاه با سرمایه اخلاقی نیز همراه می‌شود (Goodland, 2002, 221). همان‌طوری که از تعریف پایداری اجتماعی برمی‌آید صبوری، قابلیت انعطاف، تحمل مدارا از مؤلفه‌های مهم این مفهوم می‌باشد در دنیایی که به‌طور فزاینده‌ای از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، یکپارچه‌شده، تحمل می‌تواند صفت برجسته و مهمی برای نسل جدید باشد (Berggren, & Nilsson, 2014, 17). از طرفی برقراری و تقویت ابعاد توسعه از ضروریات هر کشوری محسوب می‌شود ایران نیز از جمله کشورهای در حال توسعه است که راه طولانی برای این منظور دارد اصفهان از جمله کلان‌شهرهای مهم ایران است که دارای اقتصاد صنعتی است البته صرفاً با رشد اقتصادی اهداف توسعه پایدار تحقق نمی‌یابد همچنین این شهر به‌عنوان شهر خلاق جهانی از ظرفیت‌های بالایی در حوزه فرهنگ و هنر برخوردار است لازمه پایداری شهری پیشرفت متعادل و هماهنگ اقتصادی اجتماعی و فرهنگی می‌باشد بنابراین اصفهان ویژگی‌های لازم برای شکوفایی این ظرفیت‌های بالقوه را دارد تا با برنامه‌ریزی صحیح بتواند به‌عنوان پیشرو و الگو در سطح کشور مطرح شود از این‌رو شهروندان در فرایند پایداری شهری باید انسان‌هایی آگاه باشند که قادر به انطباق‌پذیری و سازگاری در نا به سامانی‌ها و شرایط جدید داشته باشند افزایش تحمل اجتماعی می‌تواند یکی از راهکارهایی برای رویارویی با مشکلات زندگی شهری و رسیدن به اهداف توسعه پایدار شهری باشد.

تحمل یکی از ارزش‌های اساسی و از جمله مفاهیمی است که در بسیاری از ابعاد زندگی ما تنیده است در تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، مذهب و اخلاق هر جانشانی از این

¹ Rapoport

Mguni, 2019, 2). زمانی که در جامعه‌ای اهداف و برنامه‌ها دچار آشفتگی شود قاعدتاً فراوانی خواسته‌ها راه‌های ناهمگونی برای رسیدن به مقصود برای آن فراهم می‌کند. در نتیجه کسی به دیگری مدارا روا نخواهد داشت قاعده‌ها را گروه‌های پیروز تعیین می‌کنند درحالی که باید شرایط لازم برای طرح نظر و ابراز وجود گروه‌های مختلف اجتماعی به‌عنوان یک ارزش پذیرفته شود. در نهایت زمانی که بردباری تحمل افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به دولتمردان و از طرف دیگر دولتمردان با عموم مردم جامعه افزایش یابد خواسته‌ها و اهداف چه در سطح فردی و چه در زمینه توسعه اجتماعی بیشتر به تحقق نزدیک می‌شود پژوهش حاضر می‌تواند برای این منظور راهگشا باشد.

۱-۱- ضرورت تحقیق

این تحقیق برای شهر اصفهان به‌عنوان شهری با قدمت بالای تاریخی با ظرفیت و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از حضور تعداد بالای مهاجران و خرده‌فرهنگ‌های متعدد و همچنین پیروان مذاهب مختلف ضروری به نظر می‌رسد زیرا که عدم توجه به آن، اثرات جبران‌ناپذیری برای این منطقه به بار خواهد آورد همچنین اصفهان نقش مهمی در مورد جذب سرمایه‌های ملی و بین‌المللی و جذب گردشگر دارد که برای پیشبرد اهداف اقتصادی اجتماعی ضروری است تحمل و مدارا و مؤلفه‌های کلیدی در جذب این سرمایه‌هاست که تعیین عوامل مؤثر و ابعاد تحمل اجتماعی و تعیین میزان آن می‌تواند در فرآیند برنامه‌ریزی شهری و فرهنگی به‌صورت کاربردی مورد استفاده مریان مدیران و متولیان آن قرار گیرد تا در نهایت درصد کاهش آسیب‌های اجتماعی حرکت به سوی صمیمیت همبستگی اجتماعی و توسعه اقتصادی و فرهنگی بیانجامد.

۱-۲- اهداف تحقیق

تحقیق حاضر قصد دارد تا با تکیه بر دیدگاه نظری در مورد تحمل اجتماعی به تأثیرپذیری آن از عوامل اجتماعی پردازد و با آزمون تجربی آن در میدان مورد مطالعه یک

موضوع پیدا می‌شود پیدایش اختلاف در بینش و منش انسان‌ها امری ضروری در نظام هستی است که از طبیعت آفرینش انسان نشئت می‌گیرد به رسمیت شناختن این اختلافات اجتناب‌ناپذیر دلیل روشنی بر به‌کارگیری تحمل در زندگی اجتماعی است تحمل به معنی پذیرش تفاوت‌ها به‌عنوان یک امر طبیعی و واقعی دلالت دارد به‌طوری که تفاوت‌های هر شخصی که در جامعه زندگی می‌کند مورد قبول و احترام باشد به‌کارگیری تحمل به‌گونه‌ای است که همه اعضای جامعه در کنار یکدیگر با آسایش زندگی می‌کنند بدون هرگونه درگیری خشونت چه‌بسا بعضی افراد در موضع قدرت قرار دارند اما باوجود عقاید و شرایط مخالف از خود تحمل و مدارا نشان می‌دهند در واقع خودداری آگاهانه است. تحمل، تفاوت را ممکن و تفاوت، تحمل را ضروری می‌سازد (Nizah, 2015, 295).

معمولاً افراد خودشان را در آسیب یا مسئله‌ای که دارند تعریف می‌کنند و این‌گونه سایر توانمندی‌های خود را نادیده می‌گیرند و در حل مسائل مستأصل هستند و تحمل کمتری از خود نشان می‌دهند این در حالی است که برای یک زندگی اجتماعی بهتر به دانایی و همدلی و آمادگی برای دریافت آگاهی ضروری می‌باشد که علاوه بر کسب مهارت‌های فردی در زمینه تحمل و مدارا مهارت‌های اجتماعی نیز اهمیت فراوانی دارد زیرا اگر هر یک از افراد جامعه نگران از سرنوشت و جایگاه خود تنها به نجات خویش بی‌اندیشند و فارغ از هر چه بر جمع می‌گذرد، درصدد یافتن راهکارهایی برای به‌دربردن خود از مهلکه باشند و به بهای نادیده‌انگاشتن حق و حقوق دیگران بر اولویت و خواسته‌های فردی خود تأکید کنند در نتیجه ناهنجاری‌های اجتماعی افزایش و کیفیت زندگی کاهش می‌یابد. به بیان هرسلاند و امگونی (۲۰۱۹)^۱ روشن است شیوه‌های اجتماعی تعیین‌کننده کیفیت زندگی شهری دارای اهمیت است و می‌توان به تحمل اجتماعی نسبت داد چراکه تحمل اجتماعی سبب می‌شود سطوح تعیین‌شده برای زندگی در شهر تغییر کند و شهروندان با سطوح بالاتری از کیفیت زندگی شهری برخوردار شوند (Herslund &

فضای کلی از وضعیت تحمل و مدارا و میزان اثرگذاری عوامل اجتماعی مختلف در بین شهروندان شهر اصفهان را نشان دهد.

هدف کلی: تعیین عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر تحمل اجتماعی
اهداف جزئی:

۱. درک و شناخت تحمل اجتماعی به وسیله ابعاد آن
۲. تعیین ترجیح ابعاد تحمل اجتماعی در بین شهروندان اصفهان
۳. شناخت و تعیین عوامل مؤثر بر میزان تحمل اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان
۴. ارائه پیشنهادهایی برای افزایش تحمل و مدارا

۲- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

۲-۱-۱- پیشینه

چندی از تحقیقات انجام شده مرتبط با موضوع ارائه می گردد.

۲-۱-۱-۲- تحقیقات داخلی

بهمن پور (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان رابطه نشانگان فرهنگی بر بردباری اجتماعی به بررسی اثر ابعاد فرهنگی و سایر عوامل بر میزان تحمل تفاوت های فکری، سیاسی، اجتماعی و مذهبی پرداخته است. در این تحقیق رابطه متغیرهای فرهنگی مختلفی از قبیل فردگرایی، جمع گرایی، اقتدارگرایی، جزم اندیشی، احساس عدالت، عام گرایی، تحریک اجتماعی، عزت نفس با بردباری اجتماعی بر اساس نمونه ۳۰۰ نفری از شهروندان تهرانی بررسی شده است، یافته های این تحقیق حاکی از آن است که اقتدارگرایی و جزم اندیشی با بردباری اجتماعی دارای رابطه منفی و عام گرایی، عزت نفس، احساس عدالت و فردگرایی و جمع گرایی با آن دارای رابطه مثبت هستند.

حسین زاده (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مدارا گری در بین دانشجویان دانشگاه گیلان» با روش کمی پیمایش به بررسی اثر متغیرهایی چون اقتدارطلبی، تفکر قالبی، پیش داوری، تعصب ورزی، روحیه انتقادی، عقلانیت،

گفت و گو و خشونت طلبی بر مدارا پرداخته است؛ و نتایج تحقیق نشان می دهد همه ی متغیرها با مدارا رابطه ی معنادار داشته و چارچوب نظری از نظر ارتباط تأیید ولی از نظر جهت رد شده است عقلانیت ضعیف ترین، تفکر قالبی، تعصب ورزی و خشونت طلبی ارتباط قوی تر و گفت و گو، اقتدارطلبی، پیش داوری و روحیه انتقادی رابطه ی متوسطی با مدارا داشتند؛ و در تحلیل عاملی تفکر قالبی و پیش داوری بر عاملی به نام مطلق اندیشی بار شدند که این عامل به تنهایی ۰/۷۲ درصد از میزان مدارا را پیش بینی کرده، بنابراین به عنوان قوی ترین بعد شناسایی شده است.

زالی زاده، علی پور و زالی زاده (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان پیش بینی ابعاد مدارای اجتماعی بر اساس سبک های هویت شناختی - اجتماعی در دانشجویان انجام دادند نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد سبک اطلاعاتی پیش بینی کننده مثبت و مدارای عقیدتی، سیاسی و هویتی می باشد همچنین این سبک به صورت منفی و مدارای رفتاری را پیش بینی کرد سبک سردرگم پیش بینی کننده منفی مدارای سیاسی عقیدتی و هویتی بود، درحالی که هم مدارای رفتاری را به صورت مثبت پیش بینی می کرد بررسی این پژوهش ها بیانگر این است که به نقش خانواده در مدارا توجه نشده است همچنین کارهایی که در حوزه خانواده انجام شده است تأثیر این متغیر با مفاهیم مشابه مدارا نظیر اقتدارگرایی، سازگاری اجتماعی، جامعه پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی، نگرش به دموکراسی، باورپذیری به دموکراسی پرداخته شده است.

اکبرنیا (۱۳۹۴)، در تحقیقی پیمایشی بر روی یک نمونه ۲۰۴ نفر در شهر تهران که ۱۳۹ نفر مسلمان و ۶۵ نفر مسیحی بودند به بررسی رابطه دین داری مدارای اجتماعی با فاصله اجتماعی پرداخته است نتایج رابطه سنجی میان متغیرهای تحقیق با متغیر وابسته حاکی از آن است که بین میزان دین داری و فاصله اجتماعی رابطه مستقیم و میان مدارای اجتماعی و فاصله اجتماعی نیز رابطه معکوس برقرار بوده است. طبق نتایج آزمون رگرسیون، میزان مدارای اجتماعی بیشترین تأثیر را بر میزان فاصله اجتماعی داشته است پس از آن متغیرهای میزان دین داری و نوع دین داری (میزان

دموکراتیک، نسبت به اقتدارگراها در کشورهای مستقل و استبدادی، مدارا و تحمل پذیری بیشتری دارند.

کوکاریچ و سیزووا^۲ (۲۰۱۵)، یک مدل تحمل ارتباطات میان فرهنگی به عنوان یک روش حل مسئله عرفانی، قومی و درگیری‌های طبیعی مدرنیته ساخته‌اند؛ و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مدارای فرهنگی، فرصت‌هایی را برای رفاه و توسعه هر فرهنگی فراهم می‌کند می‌توان با توجه به این تحقیقات شاخص‌های رفتاری مدارا را بهتر شناخت و برای به عملیاتی در آوردن مدارا استفاده نمود.

کیم و ژنگ^۳ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان رابطه دین و مدارای سیاسی در کره جنوبی، سؤال اصلی که در کار خوددارند این است که چگونه دین‌داری فردی بر مدارای سیاسی تأثیر می‌گذارد؟ مطالعاتی که با این موضوع سروکار دارند بر دو جنبه از تأثیرات دین‌داری تأکید دارند. اولین جنبه، وابستگی مذهبی (مدل قومی - مذهبی) است که سعی در توضیح تفاوت‌های سطوح مدارا، بین فرقه‌ها را دارد. دومین جنبه، به دنبال بررسی تأثیرات متفاوت انواع دین‌داری (مثلاً دین‌داری متعهدانه و دین‌داری مشارکتی) بر مدارا است. بر این اساس فرضیات زیر را به آزمون گذاشته‌اند:

-بودیسم‌ها و کاتولیک‌ها در کره جنوبی بیشتر از پروتستان‌ها اهل مدارای سیاسی هستند.

-افرادی که باورهای قومی مذهبی دارند (اعتقادات ارتودوکس) کمتر از افراد با اعتقادات ضعیف، اهل مدارا هستند.

-افرادی که مشارکت فعالانه دینی دارند کمتر از غیرفعالان، اهل مدارا هستند.

-افراد دین‌دار سنتی کمتر از دین‌داران مدرن، اهل مدارا هستند.

نتایج نشان داده است که در بین فرقه‌های بودایی‌ها بیشتر از پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها اهل مدارا بوده‌اند و در میان فرقه‌ها، آن‌هایی که دین‌داری سنتی داشتند نسبت به دین‌داران

کثرت‌گرایی) متغیرهای تأثیرگذار بر میزان فاصله اجتماعی بوده‌اند به‌طور کلی متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون توانسته‌اند، ۵۰٪ تغییرات متغیر فاصله اجتماعی بین اهل ادیان را تبیین کنند.

بهشتی، عزیزاده و کنعانی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی رابطه هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی بین شهروندان شهر یاسوج رابطه میان هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی به روش پیمایشی با نمونه‌ای ۴۰۰ نفر از ساکنان شهر یاسوج به صورت تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند، بررسی کردند که رابطه معنادار هوش فرهنگی بر مدارای اجتماعی را نشان می‌دهد و میزان تأثیر هوش فرهنگی بر مدارای اجتماعی ۰/۳۴ و هوش فرهنگی ۱۲ درصد واریانس متغیر مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند.

پاک زمان و نیازی (۱۴۰۰)، پژوهشی در شهرستان کاشان با جامعه آماری ۱۸ سال به بالای شهروندان با حجم نمونه ۵۳۱ با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده است نتایج تحلیل همبستگی بین دین‌داری و مدارا گری یک رابطه منفی و معنی‌دار را بیان می‌کند اما با تحلیل رگرسیونی و اثر تعاملی متغیر اقتدارگرایی نتیجه نهایی این است که دین‌داری ذاتاً منجر به نامداراگری نخواهد شد بلکه شیوه رفتاری افراد دین‌دار تأثیرگذار است و رابطه مثبت و معنادار می‌شود.

۲-۱-۲- تحقیقات خارجی

یافته‌های تحقیق دان^۱ (۲۰۱۴) با عنوان «اقتدارگرایی و عدم تحمل تحت رژیم‌های استبدادی و دموکراتیک» نشان می‌دهد که اقتدارگرایی بیان‌کننده‌ی عدم تحمل بیشتر در موقعیت‌هایی است که تنوع در آن‌ها بیشتر آشکار است. در این مطالعه، ۷۵۴۷۸ فرد از ۷۵ کشور مورد بررسی قرار گرفت تا تعیین شود که آیا اقتدارگراها در جوامع دموکراتیک واقعاً تحمل و مدارای بیشتری دارند. درحالی‌که اقتدارگرایی ارتباط زیاد و منفی با تحمل و مدارا در کشورهای دموکراتیک دارد، اقتدارگراها در کشورهای بسیار

³ Kim & Zhong

¹ Dunn

² Kokarevich & Sizova

مدرن از مدارای کمتری برخوردار بوده‌اند. همچنین باورهای قومی مذهبی فرقه‌ای ارتودوکس باعث مدارای کمتر پیروان آن می‌شود؛ و کسانی که مشارکت فعالانه‌ی دینی دارند، از لحاظ سیاسی کمتر اهل مدارا هستند.

ایهارا و یاماموتو^۱ (۲۰۱۶)، در تحقیق دیگری با عنوان «نقش مدارا در ارتباط با مردم متنوع»، در رابطه با نقش مدارا در ارتباطات مدنی، یک مدل معرفی شده است که توضیح می‌دهد افراد می‌توانند بردبار باشند و یک نتیجه‌ی ارزشمند به دست آورند اگر شرکای ارتباطی آن‌ها هم به اندازه‌ی کافی بردبار باشند تا رابطه‌شان را هموار بسازند. در نتیجه زمانی که افراد به اندازه‌ی کافی متفاوت هستند و فرصت‌های مکرری برای ارتباط دارند، موازنه‌های متعددی وجود دارد که در آن همه افراد می‌توانند مدارا جو یا غیر مدارا جو باشند. به این معنا که افراد کمتر مداراگر خواهند بود تا زمانی که مدارای شریک ارتباطی آن‌ها در سطح پایین باقی بماند؛ اما زمانی که شرکای ارتباطی آن‌ها از ابتدا به اندازه‌ی کافی مدارا جو باشند، آن‌ها می‌توانند به یک نتیجه قابل قبول در رابطه برسند. این مرحله می‌تواند به عنوان معنایی تفسیر شود که افراد برای «قابلیت فرهنگی» بکار می‌گیرند.

مطالعه جان مات و کیتینگ^۲ (۲۰۱۹)، روی جمعیت انگلستان، نشان می‌دهد که در سه دهه‌ی اخیر نگرش‌ها به گروه‌های اجتماعی که قبلاً در حاشیه قرار داشتند، تغییر کرده است. این تغییرات اغلب به افراد بزرگ‌سال و نسل کم‌تحمل اختصاص دارد که با گروه جوانی که در نگرش خود به سایر فرهنگ‌ها، بسیار روشن فکر بوده، جایگزین شده است. تحمل اقلیت قومی و همجنسگرایی افزایش یافته و افراد جوان نسبت به والدین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های خود و نسل‌های قبلی، این گروه‌ها را بیشتر قبول دارند. این نوع تمایلات از دیدگاه خوش‌بینانه حمایت می‌کند. در این مطالعه به این نتیجه نیز رسیدند که تعصب و پیش‌داوری در نگرش جوانان از بین نرفته است. عدم تحمل به کلی از بین نرفته و اقلیت فراوانی از جوانان این نوع نگرش را به سوی افراد مهاجر تغییر داده‌اند.

دیدگاه خوش‌بینانه می‌تواند سطوح تحمل را افزایش دهد درحالی‌که افراد بدبین دارای سطح تحمل ثابت یا کمتری هستند. انتظار می‌رود چنین فرآیندهایی بتواند با افزایش فشار هنجاری روی افراد جهت احترام به دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های سایر افراد، تحمل را نیز افزایش دهد. به علت تنوع قومی و نژادی در انگلستان، تحمل‌پذیری این افراد نیز افزایش یافته است. افراد تحصیل کرده نسبت به افراد بی‌سواد یا افرادی با تحصیلات کم، دیدگاه تحمل‌پذیر تری به افراد مهاجر و تازه‌وارد دارند.

تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام شده در تحقیق حاضر ضمن بررسی ابعاد تحمل اجتماعی، از آنجایی که جامعه از آحاد افراد تشکیل شده و جامعه‌پذیری صحیح افراد نقش بسزایی در سرنوشت سلامت اجتماعی دارد به متغیرهای سطح خرد، با مفاهیمی مثبت همچون هوش فرهنگی و منفی همچون اقتدارگرایی توجه شده است.

۲-۲- مبانی نظری پژوهش

تحمل اجتماعی، نوعی بردباری است که انسان در برابر عقاید، رفتار و گفتار ناخوشایند دیگری از خود نشان می‌دهد (سازان‌درون^۳، ۱۳۸۲، ۱۷). ویلیام هر^۴ (۱۹۷۶) اصول زیر را برای سعه‌صدر پیشنهاد کرده است (فارسی، ۱۳۹۰).

۱. اصل حریت: با تکیه بر چنین اصلی ابراز عقاید و آگاهی از عقاید دیگران آزاد است.
۲. اصل عقلانیت: مبتنی بر شواهد استدلال مبتنی بر عقل و شواهد تشخیص بهترین و درست‌ترین نتایج را موجب می‌شود.
۳. اصل بی‌طرفی: رعایت بی‌طرفی در توجه به نظر دیگران پرهیز از تبلیغ و تلقین نظر خویش به دیگران اساس چنین اصلی را تشکیل می‌دهد.
۴. اصل شک و تردید: آگاهی از یک دیدگاه خاص موجب نمی‌شود آن به عنوان یک نظر کامل و بدون نقض تلقی شود بلکه زمینه‌ای برای بررسی گسترده‌تر از آن است.
۵. اصل استحکام: نظرات تا جایی دوام و استحکام برخوردارند که عقاید جدیدتر بر اساس عقلانیت و شواهد، کشف شوند.
۶. اصل پذیرش: مفهوم این اصل چنین بیان می‌شود که فرد در

³ Julie Sada-Jandorn

⁴ William Hare

¹ Ihara & Yamamoto

² Janmaat & Keating

همچنین وی معتقد است ادامه روند توسعه اصول جامعه‌پذیری مجدد به‌عنوان تشخیص ضوابط جنایی بدون در نظر گرفتن پیشینه این نوع مدارا خطرناک است. مدارای منفعل، ناکامی و بی‌علاقگی، همگی حاکی از این است که واکنش‌های خشونت‌آمیز دوباره گسترش خواهند یافت (Goldschmidt, 1973, 161).

کینگ^۵ (۱۹۷۶)، در اثر مشهور خود به نام مدارا، مدارا را برحسب موضوع به سه دسته تقسیم نموده است (الف) مدارای هویتی: یعنی مدارا ورزیدن در برخورد با ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند که شامل مدارا نسبت به هویت‌های مختلف مثل ادیان، ملیت‌ها و قومیت‌های متفاوت می‌شود. (ب) مدارای سیاسی: که ناظر بر قبول حق برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد نیستند. (ج) مدارای رفتاری: که به سه نوع مدارای دیگر یعنی مدارا در الگوهای جنسیتی، مدارا نسبت به جرم و مدارا نسبت مجرمان تقسیم می‌شود.

دورکیم^۶ (۱۹۱۲)، نیز به مقوله رابطه تحمل و مدارا و دین پرداخته است طبق نظریه دورکیم هنجارها و ارزش‌ها که راهنمای عمل افراد هستند سبب همبستگی اجتماعی می‌شود و افراد جامعه از رفتارهای نقض‌کننده وحدت جامعه خودداری کرده تا همسو با ارزش‌های جامعه باشند. دورکیم دو علت اصلی همبستگی اجتماعی را وجود سیستمی از ارزش‌ها و باورهای مشترک و همچنین روابط بین اعضای جامعه می‌داند. دورکیم معتقد است که دین هر دو این‌ها را فراهم می‌نماید. در وهله‌ی اول دین با ارائه یک سیستم ارزشی غیرقابل‌انکار باعث شکل‌گیری یک روح جمعی می‌گردد که در نتیجه افراد خود را ملزم به تبعیت از این سیستم ارزشی می‌داند ثانیاً دین سبب می‌گردد تا افرادی که دارای یک سیستم عقیدتی و ارزشی مشترکی هستند باهم روابط و تعاملات زیادی داشته باشند. دورکیم بیان می‌دارد از آنجایی که قوانین و هنجارهایی که تضمین‌کننده همبستگی اجتماعی هستند در برخی مناطق برگرفته از دین هستند و با

صورت مشاهده و درک دلایل مستند قوی‌تر باید به اصلاح عقاید خود تمایل داشته آن را تغییر دهد.

وگت^۱ (۱۹۹۷) مدارا را اساسی‌ترین ضرورت برای حفظ جامعه مدنی می‌داند (Phelps, 2004, 24). بنا بر نظریه‌ی وی مدارا دو جزء است نگرش منفی نسبت به دیگران و حمایت از حقوق و آزادی‌های آن‌ها که باید به‌طور هم‌زمان ارائه شود در غیر این صورت مدارا وجود نخواهد داشت. وگت مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند مدارای سیاسی مدارای اخلاقی و مدارای اجتماعی، تحمل اجتماعی که بیانگر پذیرش ویژگی‌های اجتماعی افراد است که از بدو تولد به همراه داشته و در آغاز زندگی اجتماعی کسب می‌کنند مانند رنگ پوست یا زبان وگت اشاره می‌کند این موضوع‌ها، موضوع مدارا یا عدم مدارا نیستند بلکه اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از افراد در ارتباط هستند ممکن است که به‌وسیله‌ی تصورات قالبی مناسب یا نامناسب متصور شوند در نتیجه این امکان وجود دارد که مورد مدارا واقع شوند یا نشوند چهار مؤلفه‌ی مدارای اجتماعی عبارت‌اند از مداراهای دینی، قومیتی، ملیتی و مدارای اجتماعی عمومی.

گلداشمیت^۲ (۱۹۷۳)، نیز به تقسیم‌بندی مدارا اقدام کرده و مدارای اجتماعی را به لحاظ تحلیلی به دودسته فعال و منفعل تقسیم کرده است و مدارای فعال نیز به‌نوبه خود به دودسته انتزاعی^۳ و عینی^۴ تقسیم می‌شود و مدارای فعال انتزاعی بدین معنی است که فرد به لحاظ شفاهی معتقد به مدارا نسبت به دیگران متفاوت باشد و زمانی که فرد علاوه بر اینکه شفاهاً معتقد به مدارا نسبت به دیگران است عملاً نیز مدارای خود را نشان دهد تبدیل به مدارای فعال عینی می‌شود مدارای منفعل نیز حکایت از نوعی بی‌تفاوتی افراد نسبت به یکدیگر دارد مانند شهروندانی که در خیابان تردد می‌کنند بدون اینکه به یکدیگر توجه کند به اعتقاد گلداشمیت اگر توسعه اجتماعی و توسعه در سایر عرصه‌ها با موفقیت صورت گرفته باشد مدارای منفعل باید به مداراهای فعال تبدیل شود

⁴ Objective

⁵ King

⁶ Durkheim

¹ Voget

² Goldschmidt

³ Abstract

توجه به این که در هر دینی، برخی رفتارها تابو محسوب شده و به عنوان امور نامناسب در نظر گرفته می‌شوند، طبیعی است که مؤمنان در هر دین نسبت به رفتارهایی که خارج از چارچوب ارزشی دین صورت می‌گیرد، واکنش نشان داده و با این گونه رفتارها مدارا نمایند در حقیقت بر اساس نظر دورکیم متون مقدس به دلیل وجود اصول و نشانه‌هایی که برای رفتارهای مؤمنان تجویز می‌کند، رفتار مؤمنان را جهت داده و آن‌ها را نسبت به رفتارهای خارج از چارچوب این متون حساس می‌کند (Corcoran et al., 2012, 542).

موتز^۱ (۲۰۰۲)، بیان کرده است که ارائه بین فرهنگی اندیشه‌های مختلف به مدارای بیشتری از افراد در کشورها منجر می‌شود چرا که با افزایش برخوردها ارتباطات افراد از فرهنگ‌های مختلف نگاه مثبت آن‌ها به فرهنگ‌های متفاوت کشورهای دیگر افزایش می‌یابد و تحمل اجتماعی به ارزیابی مستقیم برخورد با افرادی که از گروه‌های دیگر مربوط می‌شود مانند داشتن رئیسی از گروه قومی دیگر رفتار افراد در این موقعیت میزان مدارا را نشان می‌دهد. که این امر مستلزم هوش فرهنگی به منزله قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوهاست.

مارکوزه^۲ (۱۹۶۵)، در مفهوم تسامح سرکوبگر و تسامح تمیزگر را مطرح می‌کند. از نظر وی جایگاه تسامح و مدارا در جامعه تغییر یافته است. هدف تسامح مستلزم مدارا نکردن با سیاست‌ها، نگرش‌ها و عقاید حاکم و رایج و تسامح ورزیدن با سیاست‌ها و نگرش‌ها و عقایدی است که غیرقانونی یا سرکوب شده‌اند اما آنچه امروزه تحت عنوان تسامح و مدارا اعلان و اجرا می‌شود در بسیاری از مؤثرترین جلوه‌هایش در خدمت ستم‌پیشگی است (کانرتون، ۱۳۸۵، ۳۵۵).

برای خروج از این شرایط و رسیدن به آزادی نیاز به پیش شرط‌هایی است که مدارا و تسامح آزادی‌بخش از مهم‌ترین آن‌ها هست. شاخص‌های اصلی مدارای

آزادی‌بخش از نظر مارکوزه، وجود آزادی بیان و گفت‌وگو، عقلانیت بحث‌ها، نگاه انتقادی به جهان بیرون، کاهش خشونت و سرکوب نسبت به دگراندیشان، بی‌طرفی ارزشی و کاهش اقتدارطلبی است. مدارا باعث آزادی و حقوق مساوی مخالفان به تعریف و روشن ساختن شکل‌های متفاوت دگراندیشی می‌انجامد؛ اما تمرکز و تجمع قدرت در جامعه‌ای که فن‌آوری را همچون ابزاری برای سلطه به کار می‌گیرد هر جا که امکان ظهور دگراندیشی فعال موجود باشد، سد و مانعی ایجاد می‌شود. در شکل‌گیری عقاید، ارتباطات، در گفتار و تألیف پیداست که این نظر سلطه و اقتدارطلبی مانع اساسی بروز و ظهور دگراندیشانه^۳ است که در عرصه بحث و گفت‌وگو فرصت بیان و نشر داشته باشند (کانرتون، ۱۳۸۵، ۳۶۶). همچنین آدورنو و هور کهایمر^۴ (۱۹۵۰) به بررسی شخصیت اقتدارطلب پرداختند. منظور از کاراکتر قدرت‌گرا، کاراکتر فردی هست که تمایل شدید به سنت‌ها، گرایش شدید به حفظ قدرت سیاسی و اجتماعی داشته و در برابر اقتدارهای سیاسی والا تر به مثابه رعیت و مطیع برخورد می‌کند (حسین زاده، ۱۳۸۹، ۲۷). ویژگی‌های اصلی کاراکتر قدرت‌گرا به این صورت است که شخصیت نا متساهل^۵ جهان را پر از تهدیدات خصمانه می‌بیند، عمیقاً ناامن و مضطرب است دیگران را به خاطر بدبختی‌های خود سرزنش می‌کند و با پدر و مادر خود رابطه‌ای مبهم دارد. در نتیجه احساس ضعف و ناامنی، جاه‌طلب می‌شود و مطیع بالادستان و سرکوب‌گر زیردستان است (بشیریه، ۱۳۷۰، ۱۲۷). ۹ شاخص در مقیاس فاشیسم برای این شخصیت در نظر گرفتند.

- عرف پرستی: پیروی کامل از عرف و عادات، ارزش‌های طبقه‌ی متوسط

- اطاعت از اقتدار: وجهه نظر تسلیم‌طلبان و بدون اعتراض به قدرت اخلاقی بی‌نقص و کامل تصور شده گروه

- تعرض مستبدانه: گرایش به یافتن افرادی که ارزش‌های عرفی را زیر پا می‌نهد و رسوا کردن و طرد و مجازات آن‌ها

⁴ Adorno & Horkheimer

⁵ Intolerance

¹ Mutz

² Marcuse

³ Dissidents

عقاید قالبی استخراج می‌شود. شخصیت‌های اقتدارگرا افرادی هستند که دارای مدارای پایین و پرخاشگر و عقاید قالبی و پیروی کورکورانه از دیگران بوده و هرکس ارزش‌ها هنجارهای آن‌ها را نقض کند مورد خشونت قرار خواهد گرفت. بنا بر مطالب ارائه شده فرضیات و مدل تحقیق (شکل شماره ۱) مشتمل بر متغیرهای مستقل (دین‌داری، اقتدارگرایی، عقاید قالبی و هوش فرهنگی) و متغیر وابسته (تحمل اجتماعی) تدوین شده است

فرضیه‌های تحقیق:

۱. بین دین‌داری و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
۲. بین هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
۳. بین اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
۴. بین عقاید قالبی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.

- خشک‌اندیشی: مخالف با تخیل، تصور باریک‌بینی و خلاقیت

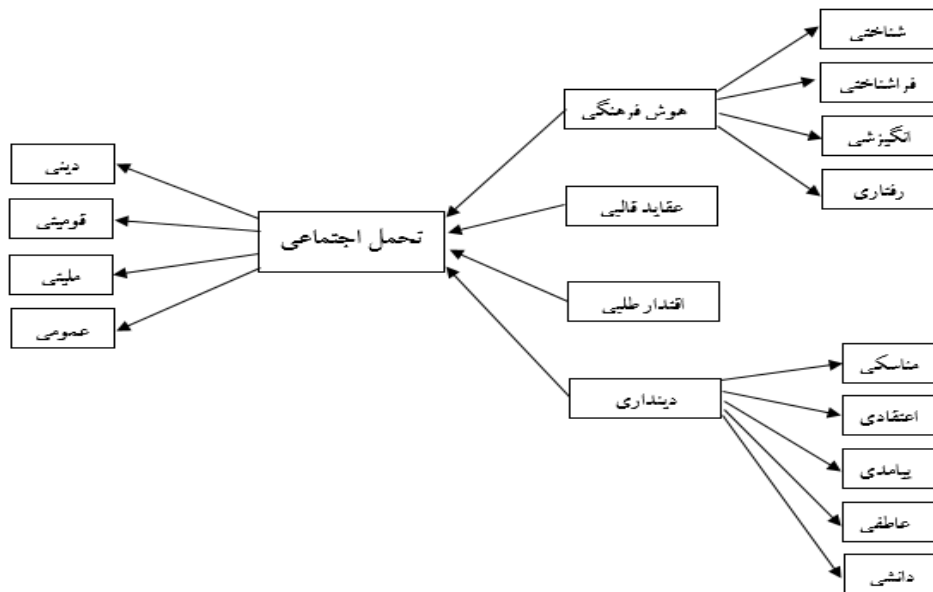
- خرافه‌پرستی و تحجر: اعتماد به قطعیت سرنوشت مرموز افراد، گرایش به تفکر در چارچوب مقولاتی ثابت

- قدرت و صلابت: دل‌مشغولی با سلطه و فرمان‌برداری، قوی و ضعیف رهبری و پیروی تقلید از شخصیت‌های قدرتمند، تأکید بر ویژگی‌های عرفی خود، تظاهر مبالغه‌آمیز به قدرت و صلابت

- ویرانگری و بدبینی: خصومت عام، بدگویی از انسان

- فرافکنی: تمایل بدین اعتقاد که جهان دستخوش مخاطرات و بی‌بندوباری است؛ فرافکنی هوا و هوس‌های ناخودآگاه

- جنس: نگرانی بیش‌ازحد درباره‌ی امور جنسی (بیکرا، ۱۳۷۷، ۱۳۴) درنهایت از این ۹ شاخص اقتدارطلبی و همچنین



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

کاربردی^۳ از نظر وسعت پهناگر^۴، از نظر دامنه یک مطالعه خرد^۵ و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی^۶ است.

جامعه آماری این پژوهش شهروندان ۲۰ سال به بالا ساکن شهر اصفهان می‌باشد (با این توضیح که جوان در این

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک بررسی پیمایش^۲ است. همچنین این تحقیق از نظر هدف یک بررسی

³ Extensive

⁴ Microleve

⁵ Cross Sectional

¹ Baker

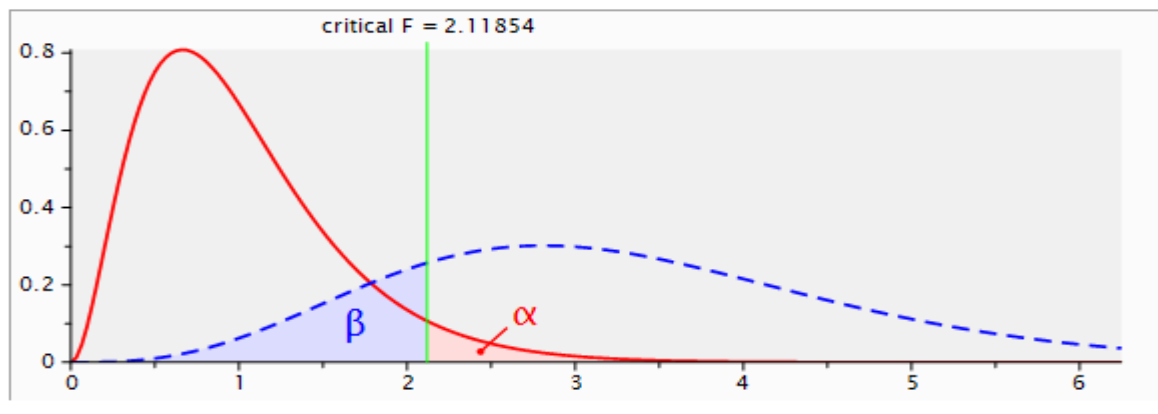
² Survey

² Appli Extensive ed

کنیم. نرم افزار Gpower یک نرم افزار کاربردی و ساده آماری است که برای محاسبه حجم نمونه در مباحث جامعه و نمونه بسیار مناسب است. همچنین حجم نمونه لازم برای انواع آزمون همبستگی، حجم نمونه رگرسیون و روش های دیگر آماری را محاسبه کرد؛ که با سطح اطمینان ۹۵٪ و توان ۸۰٪ و حجم اثر ۰/۰۳ حجم نمونه ۴۶۱ نفر به دست آمده است (جدول شماره ۱) (نمودار شماره ۱).

سن هویت فردی و اجتماعی اش شکل گرفته و نسبت به جامعه آگاه و مسئول عمل می کند) که طبق آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۸ انجام شده است ۱۴۵۴۱۸۶ نفر می باشد.

در این پژوهش حجم نمونه با استفاده از نرم افزار Gpower محاسبه شده است این نرم افزار یک ماشین حساب حرفه ای است که با آن می توان انواع توابع مدنظرمان را تعیین



نمودار ۱. تعیین حجم نمونه با استفاده از نرم افزار Gpower

جدول ۱. خروجی نرم افزار Gpower

```
[1] -- Tuesday, November 03, 2020 -- 21:16:25
F tests - Linear multiple regression: Fixed model, R2 deviation from zero
Analysis: A priori: Compute required sample size
Input: Effect size f2 = 0.03
      α err prob = 0.05
      Power (1 - β err prob) = 0.80
      Number of predictors = 6
Output: Noncentrality parameter λ = 13.8300000
       Critical F = 2.1185437
       Numerator df = 6
       Denominator df = 454
       Total sample size = 461
       Actual power = 0.8005374
```

۲۰ سال هریک از این مناطق (جدول شماره ۲) طبق آمارنامه شهر اصفهان (۱۳۹۸) تعداد نمونه هر منطقه محاسبه شد (جدول شماره ۳) و براین اساس پرسشنامه ها تکمیل شدند و داده های تحقیق جمع آوری شدند.

جدول ۲. سالنامه آماری شهر اصفهان (۱۳۹۸)

منطقه	بالای ۲۰ سال	کل
۱	۵۸۰۷۴	۷۹۷۳۰
۲	۵۲۳۵۸	۷۱۸۸۲

در این پژوهش از روش، نمونه گیری طبقه ای استفاده شده است. ملاک تعیین بر اساس پایگاه اجتماعی - اقتصادی است که بر اساس آمارنامه شهر اصفهان، معاونت برنامه ریزی و توسعه انسانی (۱۳۹۸)، پایگاه اجتماعی - اقتصادی مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان با توجه سه شاخص تحصیلات، درآمد، شغل افراد به سه دسته پایین، متوسط و بالا تقسیم شده اند (دهقانی، ۱۳۹۸، ۱۲۹)؛ که منطقه ۶ از طبقه بالا، منطقه ۳، ۴، ۹ از طبقه متوسط و منطقه ۱۵ از طبقه پایین به صورت تصادفی انتخاب شدند که با توجه به جمعیت بالای

آوردن اعتبار سازه از تحلیل عاملی استفاده شد و برای هر کدام از متغیرهای تحقیق که دارای مؤلفه‌ها و ابعاد تعیین کننده بودند تحلیل عاملی تأییدی انجام گرفت. به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. بدین منظور یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسشنامه پیش‌آزمون می‌گردد و سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از پرسشنامه و به کمک نرم افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. (جدول شماره ۴) میزان ضریب انسجام درونی (پایایی) متغیرهای پرسشنامه را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول آمده این ضریب نشانگر بالا بودن میزان انسجام درونی گویه‌ها است. به این ترتیب پرسشنامه نهایی تدوین گردید.

جدول ۴. ضریب پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	مقدار ضریب آلفا
تحمل اجتماعی	۲۰	۰/۶۱۷
اقتدارگرایی	۵	۰/۶۸۱
تفکر قالبی	۵	۰/۷۲۶
هوش فرهنگی	۲۰	۰/۸۲۸
دین‌داری	۱۵	۰/۸۰۶

بعد از استخراج و کدبندی داده‌های جمع‌آوری شده در بخش توصیفی با استفاده از ابزارهایی نظیر جدول فراوانی و شاخص‌های گرایش مرکزی (مانند میانگین) و پراکنندگی (مانند انحراف معیار)، به توصیف ویژگی‌های جامعه پرداخته خواهد شد. در بخش استنباطی داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS22 تحلیل و تفسیر شدند.

۴- بحث و یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و تحلیلی ارائه می‌گردد.

۴-۱- یافته‌های توصیفی

توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای مطابق (جدول شماره ۵) می‌باشد.

منطقه	بالای ۲۰ سال	کل
۳	۸۰۵۶۶	۱۱۰۶۰۹
۴	۱۰۰۹۶۲	۱۳۸۶۱۰
۵	۱۰۴۸۱۱	۱۴۳۸۹۴
۶	۸۱۸۸۳	۱۱۲۴۱۶
۷	۱۳۲۵۹۵	۱۸۲۰۳۹
۸	۱۷۵۶۷۱	۲۴۱۱۷۷
۹	۵۵۵۸۸	۷۶۳۱۷
۱۰	۱۴۹۴۰۱	۲۰۵۱۱۱
۱۱	۴۲۷۲۰	۵۸۶۵۰
۱۲	۱۰۴۳۲۳	۱۴۳۲۲۵۱
۱۳	۱۰۳۲۸۷	۱۴۱۸۰۲
۱۴	۱۱۸۸۳۶	۱۶۳۱۴۹
۱۵	۹۳۱۱۱	۱۲۷۸۳۱
جمع	۱۴۵۴۱۸۶	۱۹۹۶۴۴۲

جدول ۳. جمعیت محاسبه شده در مناطق انتخاب شده

مناطق شهری	تعداد جمعیت	تعداد نمونه منطقه
منطقه ۶	۸۱۸۸۳	۹۲
منطقه ۳	۸۰۵۶۶	۹۰
منطقه ۴	۱۰۰۹۶۲	۱۱۳
منطقه ۹	۵۵۵۸۸	۶۲
منطقه ۱۵	۹۳۱۱۱	۱۰۴

از بین ابزارهای موجود در پیمایش، پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها انتخاب شد. برای اندازه‌گیری متغیرها از سؤال و برای اندازه‌گیری سازه‌ها از تکنیک طیف لیکرت استفاده شده است.

در این تحقیق از اعتبار محتوا استفاده شده است. برای تشخیص اعتبار محتوا وسیله‌ی سنجش (پرسشنامه) در مراحل مختلف در اختیار استادان مربوطه قرار گرفت و دیدگاه‌های ایشان در جهت تصحیح و رفع اشکالات و اضافه نمودن موارد ناقص و دیدگاه‌های ایشان در جهت تصحیح و رفع اشکالات و اضافه نمودن موارد ناقص در پرسشنامه لحاظ، در نهایت پرسشنامه تأیید و نهایی شد. همچنین برای به دست

جدول ۵. توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیرها	طبقات پاسخگویان	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	مرد	۲۰۶	۴۴/۷
	زن	۲۵۵	۵۵/۳
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
گروه سنی	۲۰ تا ۲۵ سال	۷۴	۱۶/۱
	بین ۲۶ تا ۳۵ سال	۱۴۰	۳۰/۴
	بین ۳۶ تا ۴۵ سال	۱۷۰	۳۶/۹
	بین ۴۶-۵۵	۴۱	۸/۹
	بیشتر از ۵۵ سال	۳۶	۸/۷
جمع	۴۶۱	۱۰۰	
تأهل	مجرد	۱۵۶	۳۳/۸
	متأهل	۲۹۹	۶۴/۹
	سایر	۶	۱/۳
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
مذهب	اسلام	۴۵۶	۹۸/۹
	سایر	۵	۱/۱
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
قومیت	فارس	۳۵۴	۷۶/۸
	لر	۴۷	۱۰/۲
	کرد	۷	۱/۵
	ترک	۲۱	۴/۶
	سایر	۳۲	۶/۹
جمع	۴۶۱	۱۰۰	
تحصیلات	ابتدایی	۱۸	۳/۹
	راهنمایی	۳۲	۶/۹
	دیپلم	۸۵	۱۸/۴
	فوق دیپلم	۳۳	۷/۲
	کارشناسی	۱۶۸	۳۶/۴
	کارشناسی ارشد	۹۴	۲۰/۴
	دکتری	۳۱	۶/۷
جمع	۴۶۱	۱۰۰	
اشتغال	شاغل	۲۶۴	۵۷/۳
	بیکار	۶۴	۱۳/۹
	دانشجو	۳۷	۸
	سایر (سهامدار، بازنشسته خانه دارو...)	۹۶	۲۰/۸
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
درآمد	کمتر از ۲ میلیون تومان	۵۵	۱۱/۹
	۲ میلیون تا ۳ میلیون تومان	۵۸	۱۲/۶
	بیشتر از ۳ میلیون تا ۵ میلیون تومان	۱۶۶	۳۶
	بالای ۵ میلیون تومان	۱۸۲	۳۹/۵
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
هزینه	کمتر از ۲ میلیون	۸۵	۱۸/۴
	۲ میلیون تا ۳ میلیون تومان	۷۵	۱۶/۳

متغیرها	طبقات پاسخگویان	فراوانی	درصد فراوانی
	بیشتر از ۳ میلیون تا ۵ میلیون تومان	۱۳۸	۲۹/۹
	بالای ۵ میلیون تومان	۱۶۳	۳۵/۴
	جمع	۴۶۱	۱۰۰

جدول ۷. همبستگی بین متغیرهای دین داری و تحمل اجتماعی

نوع رابطه	وجود رابطه	تحمل اجتماعی			متغیر وابسته متغیر مستقل
		تعداد	P	همبستگی (r)	
مستقیم	تائید				دین داری
		۴۶۱	۰/۰۰۱	۰/۳۰۸	

۲. بین هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی رابطه وجود

دارد.

برای بررسی رابطه‌ی این دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده از (جدول شماره ۸) می‌توان بیان کرد که بین هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی همبستگی مستقیم معنی‌دار وجود دارد. به‌طوری‌که ضریب همبستگی برابر $r = 0/383$ با سطح معنی‌داری $P = 0/001$ محاسبه شده است. این ضریب بیانگر مثبت بودن تأثیر هوش فرهنگی بر تحمل اجتماعی است. به این صورت هرچه هوش فرهنگی بیشتر شود تحمل اجتماعی نیز بیشتر می‌شود. همچنین سطح معناداری در ضریب همبستگی کم‌تر از (۰/۰۵) است لذا رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد و فرضیه دوم تائید می‌گردد.

جدول ۸. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی

نوع رابطه	وجود رابطه	تحمل اجتماعی			متغیر وابسته متغیر مستقل
		تعداد	P	همبستگی (r)	
مستقیم	تائید				هوش فرهنگی
		۴۶۱	۰/۰۰۱	۰/۳۸۳	

نتیجه میانگین تحمل اجتماعی نشان می‌دهد که ۰/۴ درصد دارای تحمل اجتماعی پایین، ۲۲/۶ درصد دارای تحمل اجتماعی متوسط رو به پایین، ۶۴/۴ درصد دارای تحمل اجتماعی متوسط رو به بالا و ۱۲/۶ درصد دارای تحمل اجتماعی بالا هستند. بیشترین فراوانی مربوط به تحمل اجتماعی متوسط رو به بالا می‌باشد (جدول شماره ۶).

جدول ۶. توزیع فراوانی متغیر تحمل اجتماعی

درصد فراوانی	فراوانی	متغیر
۰/۴	۲	تحمل اجتماعی پایین
۲۲/۶	۱۰۴	تحمل اجتماعی متوسط رو به پایین
۶۴/۴	۲۹۷	تحمل اجتماعی متوسط رو به بالا
۱۲/۶	۵۸	تحمل اجتماعی بالا

۴-۲- یافته‌های تحلیلی

۴-۲-۱- آزمون فرضیات

۱. بین دین داری و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه‌ی این دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده از (جدول شماره ۷) می‌توان بیان کرد که بین دین داری و تحمل اجتماعی همبستگی مستقیم معنی‌دار وجود دارد. به‌طوری‌که ضریب همبستگی برابر $r = 0/308$ با سطح معنی‌داری $P = 0/001$ محاسبه شده است. این ضریب بیانگر مثبت بودن تأثیر دین داری بر تحمل اجتماعی است یعنی هرچه دین داری بیشتر شود تحمل اجتماعی بیشتر می‌شود. چون سطح معناداری در ضریب همبستگی کم‌تر از (۰/۰۵) است لذا رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد و فرضیه اول تائید می‌شود.

می‌شود همچنین سطح معنی‌داری کمتر از (۰/۰۵) رابطه معناداری بین دو متغیر تفکر قالبی و تحمل اجتماعی وجود دارد و فرضیه چهارم تأیید می‌شود.

جدول ۱۰. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای تفکر قالبی و تحمل اجتماعی

متغیر وابسته متغیر مستقل	تحمل اجتماعی			نوع رابطه	وجود رابطه
	همبستگی (r)	P	تعداد		
تفکر قالبی	-۰/۱۵۱	۰/۰۰۱	۴۶۱	معکوس	تأیید

۴-۲-۲ تجزیه رگرسیونی

هدف از تحلیل رگرسیونی، مشخص نمودن سهم و تأثیر متغیرهای تحقیق در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است. رگرسیون تحمل اجتماعی، بر اساس متغیرهای مستقل به تفکیک آمده است.

بر اساس نتایج حاصله، می‌توان گفت که متغیر وابسته (تحمل اجتماعی) بیشتر متأثر از متغیر «متغیر هوش فرهنگ» است. به عبارتی در مورد تحمل اجتماعی، متغیر مذکور بالاترین تأثیر را داشته است. نتیجه کلی از این سنجش چند متغیره این است که رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، ضمن اینکه تأیید شده، خطی نیز است؛ و ضریب تبیین تصحیح شده نشان می‌دهد، ۰/۲۷ تغییرات بین مشاهدات، به وسیله مدل رگرسیون خطی، شامل متغیرهای مستقل، تبیین شده است (جدول شماره ۱۱).

در مجموع اطلاعات (جدول شماره ۱۱) ملاحظه می‌شود که به ترتیب، هوش فرهنگی با بتای ۰/۱۵۵ و دین‌داری با بتای ۰/۱۲۵ بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی تحمل اجتماعی شهروندان شهر اصفهان دارند.

۳. بین اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه‌ی این دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده از (جدول شماره ۹) می‌توان بیان کرد که بین اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی همبستگی معکوس معنی‌دار وجود دارد. به طوری که ضریب همبستگی برابر $r = -0/250$ با سطح معنی‌داری $P = 0/001$ محاسبه شده است. این ضریب بیانگر منفی بودن تأثیر اقتدارطلبی بر تحمل اجتماعی است. به این ترتیب هرچه اقتدارطلبی کم‌تر شود تحمل اجتماعی بیشتر می‌شود و برعکس، هرچه اقتدارگرایی بیشتر شود تحمل اجتماعی کم‌تر می‌شود. با توجه به سطح معنی‌داری کمتر از (۰/۰۵) رابطه معناداری بین دو متغیر اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی وجود دارد و فرضیه سوم تأیید می‌شود.

جدول ۹. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی

متغیر وابسته متغیر مستقل	تحمل اجتماعی			نوع رابطه	وجود رابطه
	همبستگی (r)	P	تعداد		
اقتدارطلبی	-۰/۲۵۰	۰/۰۰۱	۴۶۱	معکوس	تأیید

۴. بین تفکر قالبی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه‌ی این دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده از (جدول شماره ۱۰) می‌توان بیان کرد که بین تفکر قالبی و تحمل اجتماعی همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد. به طوری که ضریب همبستگی برابر $r = -0/151$ با سطح معنی‌داری $P = 0/001$ محاسبه شده است. این ضریب بیانگر تأثیر منفی تفکر قالبی بر تحمل اجتماعی است. در اینجا نیز هرچه تفکر قالبی کم‌تر، تحمل اجتماعی بیشتر می‌شود و برعکس، هرچه تفکر قالبی بیشتر شود به تبع آن تحمل اجتماعی کمتر

ارتباطات مدنی، یک مدل معرفی کرده‌اند که توضیح می‌دهد افراد می‌توانند بردبار باشند و یک نتیجه‌ی ارزشمند به دست آورند آن‌ها می‌توانند به یک نتیجه قابل قبول در رابطه برسند. این مرحله می‌تواند به‌عنوان معنایی تفسیر شود که افراد برای «قابلیت فرهنگ» بکار می‌گیرند که در واقع هوش فرهنگی لازمه آن است بدین ترتیب با نتایج این پژوهش هم‌جهت است. کوکارویچ و سیزووا (۲۰۱۵)، یک مدل تحمل ارتباطات میان فرهنگی به‌عنوان یک روش حل مسئله عرفانی، قومی و درگیری‌های طبیعی مدرنیته ساخته‌اند؛ و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مدارای فرهنگی، فرصت‌هایی را برای رفاه و توسعه هر فرهنگی فراهم می‌کند می‌توان با توجه به این تحقیقات شاخص‌های رفتاری مدارا را بهتر شناخت و برای به عملیاتی درآوردن مدارا استفاده نمود. نتایج هر سه این پژوهش‌ها با تحقیق حاضر همسو است.

فرضیه سوم به بررسی رابطه اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی می‌پردازد. از نظر مارکوزه وجود آزادی بیان و گفت‌وگو، عقلانیت بحث‌ها، نگاه انتقادی به جهان بیرون، کاهش خشونت و سرکوب نسبت به دگراندیشان، بی‌طرفی اندیشی و کاهش اقتدارطلبی است که از شاخص‌های اصلی تحمل و مدارای آزادی‌بخش است و اقتدارطلبی مانع اساسی بروز و ظهور دگراندیشی است. نتیجه آزمون این فرضیه رابطه معنادار و معکوس را نشان می‌دهد؛ یعنی هر چه اقتدارطلبی کمتر شود تحمل اجتماعی بیشتر می‌شود. آدورنو و هورکهایمر نیز به بررسی شخصیت اقتدارطلب پرداختند و ویژگی اصلی آن را شخصیتی نامتساهل که جهان را پر از تهدیدات خصمانه می‌بیند بیان کرده‌اند که عمیقاً ناامن و مضطرب است. به این ترتیب هر دو این نظرات تأیید می‌شود.

همچنین با پژوهش بهمن پور (۱۳۷۸)، با عنوان رابطه نشانگان فرهنگی بر بردباری اجتماعی به بررسی اثر ابعاد فرهنگی و میزان تحمل تفاوت‌های فکری سیاسی اجتماعی و مذهب پرداخته که در یافته‌های آن اقتدارگرایی با بردباری اجتماعی رابطه منفی دارند. زالی زاده و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی ابعاد مدارای اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت شناختی اجتماعی در بین دانشجویان به نقش

خانواده در مدارا و مفاهیم همچون اقتدارگرایی و سازگاری اجتماعی دموکراسی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق دان (۲۰۱۴) با عنوان اقتدارگرایی و عدم تحمل رژیم‌های استبدادی و دموکراتیک نشان می‌دهد که اقتدارگرایی بیان‌کننده عدم تحمل بیشتر در موقعیت‌هایی است که تنوع در آن‌ها بیشتر آشکاراست که نتایج این تحقیقات با تحقیق حاضر همسو است؛ اما در تحقیق حسین زاده (۱۳۸۹) با عنوان بررسی مدارا گری در بین دانشجویان دانشگاه گیلان به بررسی متغیرهایی چون اقتدارطلبی پرداخته که رابطه معکوس با مدارا را تأیید نکرده، پس با نتیجه این تحقیق ناهم‌سو است.

فرضیه چهارم: بررسی رابطه تفکر قالبی با تحمل اجتماعی است که نتیجه آن رابطه معکوس معنی‌دار به‌دست آمده است به این معنا که هرچه تفکر قالبی کم‌تر تحمل اجتماعی بیشتر است. آدورنو و هورکهایمر در بررسی شخصیت قدرت‌گرا، منظور از چنین شخصیتی فردی هست که تمایل شدید به سنت‌ها و گرایش شدید به حفظ قدرت سیاسی و اجتماعی داشته و تفکر قالبی یکی از شاخص‌های این شخصیت در نظر گرفتند که بر تحمل تساهل مؤثر است. همچنین وگت اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از نژاد در ارتباط هستند که ممکن است به‌وسیله تصورات قالبی مناسب یا نامناسب تصور شوند موضوع مدارا و یا عدم مدارا می‌داند و به تأثیر این تصورات قالبی بر تحمل و مدارا اشاره کرده است.

بنابراین نتیجه آزمون این فرضیه مؤید هر دو این نظریه‌هاست. به‌علاوه در تحقیق حسین زاده (۱۳۸۹) با پایین آمدن میزان تفکر قالبی مدارا افزایش نیافت پس با این تحقیق حاضر ناهم‌سو می‌باشد.

و در مطالعه مات و کیتبنگ (۲۰۱۹) نگرش‌ها به گروه‌های اجتماعی که قبلاً در حاشیه قرار داشتند پرداختند که در بخشی از این تحقیق و به این نتیجه رسیدند که تعصب و پیش‌داوری در نگرش جوانان از بین نرفته و عدم تحمل به کلی از بین نرفته و اقلیت فراوانی از جوانان این نوع نگرش را به‌سوی افراد مهاجر تغییر داده‌اند؛ و افراد بدین دارای سطح

فرضیه سوم که بیان می‌دارد اقتدارطلبی با تحمل اجتماعی رابطه معنادار و معکوس دارد یعنی با کاهش اقتدارطلبی، تحمل اجتماعی افزایش می‌یابد به این منظور بهتر است از خانواده که یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است شروع شود زیرا افراد بسیاری از خصوصیات خود را از خانواده گرفته و در آن فضا تمرین رفتاری می‌کنند. فضای تربیتی خانواده‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شود که بر پایه زور و اجبار نباشد در غیر این صورت فرزندان در پاسخ از روش‌های پرخاشگری استفاده کرده و این در وجود آن‌ها نهادینه شده و به افرادی اقتدارطلب تبدیل می‌شوند پس سبک‌های تربیتی مداراجویانه ارجحیت قطعی بر سبک تربیتی اقتدارگرایانه دارد و با جامعه‌پذیری صحیح می‌توانند یاد بگیرند در راستای مسالمت با اعضای جامعه رفتار کنند.

فرضیه چهارم نیز تائید رابطه معنادار و معکوس تفکر قالبی با تحمل اجتماعی را نشان می‌دهد تفکر قالبی بر پایه پیش‌داوری‌ها و تصورات از پیش تعیین شده می‌باشد به منظور کاهش اثر این متغیر و درازای آن افزایش تحمل اجتماعی انجمن‌ها و تشکل‌ها محلی، صنفی... در ایجاد مشارکت و اعتماد افراد مؤثر است. افراد با تعاملات بیشتر با افراد متفاوت و فعالیت‌های گروهی با اهداف مشترک از پیش‌داوری و تفکر قالبی نسبت به دست کشیده و مدارا و تحمل بیشتری به هم روا می‌دارند. به این صورت به مرور شاهد افزایش سطح تحمل اجتماعی در جامعه هستیم در انتها باید گفت برای رسیدن به توسعه پایداری شهری انتظار می‌رود برنامه ریزان و مدیران شهری با توجه به نقش مردم به‌عنوان شهروند و شیوه‌های مدیریتی مردم‌سالارانه، نه اقتدارگرایانه بتوانند فضایی سالم و شایسته شهروندان ایجاد کنند به این منظور ایجاد ستاد توسعه پایدار با شرح وظایف مشخص در راستای همسو شدن تصمیمات مدیران شهری و اجرای هماهنگ آن منجر به نتایج موفقیت‌آمیز در این زمینه می‌شود. رواج آداب و فرهنگ شهرنشینی، مسئولیت‌پذیری و حس تعلق شهروندی تقویت بنیان نهادهای اجتماعی و خانوادگی سبب بردباری و سازگاری بیشتر و ارتقا فرهنگ شهروندی از معیارهای پایداری شهری می‌شود گسترش فضاهای عمومی و ترویج

تحمل ثابت یا کمتری هستند که این نتایج می‌تواند با نتیجه این فرضیه همسو باشد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با گسترش جمعیت شهرنشین با تنوع عقاید و فرهنگ‌های متفاوت در شهرها، شهروندان با مسائل پیچیده‌ای روبه‌رو هستند که برای حل آن‌ها به روش مسالمت‌آمیز مدارا و تحمل اجتماعی شاخص کلیدی محسوب می‌شود تا به سمت جامعه سالم‌تر حرکت شود با توجه به یافته‌های تحقیق، مطابق با فرضیه اول که رابطه مستقیم دین‌داری با تحمل اجتماعی تائید شد از آنجایی که جامعه ما به‌طور عمومی دینی محسوب می‌شود و حساسیت‌ها در این زمینه نیز زیاد شده است از این رو اهمیت پیشگامی مداراجویانه متولیان دینی و ارتباط و تعامل سازنده و امیدبخش با مردم می‌تواند تأثیر مثبتی برای بهبود وضعیت تحمل اجتماعی داشته باشد همچنین دیدگاه‌های کثرت‌گرایی دینی در مقابل انحصارگرایی در جهت تحمل و تساهل بیشتر است به این معنا که حق، مطلق نیست و نجات و آزادی منحصر به یک سنت دینی نیست و راه‌های زیادی برای رسیدن به رستگاری وجود دارد، قبول و پذیرش این دیدگاه در جهت افزایش سطح تحمل اجتماعی مؤثر است.

با تائید فرضیه دوم و رابطه هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی، مسئولان و سیاست‌گذاران فرهنگی باید ضمن پذیرش هویت ترکیبی جامعه، برنامه‌هایی در جهت آشنایی افراد با فرهنگ‌های مختلف داشته باشند و باید از ایجاد شرایطی که اختلافات قومی بیشتر شود جلوگیری به عمل آورند و در جهت تقویت احساس تعلق ملی کوشش کنند. مثلاً آموزش سواد رسانه‌ای و آگاه‌سازی شهروندان برای استفاده درست از شبکه‌های مجازی به‌منظور جلوگیری از تعارضات حائز اهمیت است آموزش صحیح از طریق خانواده مدارس و کتب درسی از سنین پایین در زمینه حقوق شهروندی می‌تواند مؤثر باشد چراکه در جامعه‌ای که اعضای آن با اصول حفظ حرمت حقوق یکدیگر پذیرش متقابل نسبت به هم رشد کرده‌اند شهروندانی نقاد و انتقادپذیر می‌شوند که دارای آزادی‌اندیشه‌اند.

جامعه‌شناسی). دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید بهشتی، ایران.

• بیکر، ترزال. (۱۳۷۷). *نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی* (ترجمه هوشنگ نایی). تهران: انتشارات روش.

• پاک زمان قمی، محمدامین و نیازی، محسن. (۱۴۰۰). بازیابی رابطه دین‌داری و نامداراگری مورد مطالعه: شهر کاشان. *علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۹، (۲)، ۱۵۳-۱۸۸.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2021.60072.1765>

• حسین زاده خانگاہی، معصومه. (۱۳۸۹). *بررسی مداراگری در بین دانشجویان دانشگاه گیلان* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ایران.

• دهقانی، حمید. (۱۳۹۸). *تیپولوژی مناطق ۱۵ گانه شهری اصفهان با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی محله‌های فوق بدخیم*. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰ (۲)، ۱۱۷-۱۳۶.

<https://doi.org/10.22108/jas.2018.112690.1472>

• زالی زاده، محسن. علی پور، احمد و زالی زاده، مسعود. (۱۳۹۳). *پیش‌بینی ابعاد مدارای اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت شناختی، اجتماعی در دانشجویان*. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۴ (۱۵)، ۷۲-۵۷.

<https://www.magiran.com/volume/97746>

• سادا ژاندرون، ژولی. (۱۳۸۲). *تساهل در تاریخ اندیشه غرب* (ترجمه عباس باقری). تهران: نشر نی.

• فارسی، ویدا. (۱۳۹۰). *بررسی میزان برخورداری کتاب‌های تعلیمات دینی دوره راهنمایی از مؤلفه‌های مدارا* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش). دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، ایران.

برنامه‌های فرهنگی اجتماعی در این فضاها، برپایی نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی سبب بهینه‌سازی تعاملات اجتماعی و به دنبال آن افزایش تحمل اجتماعی می‌شود. روابط اجتماعی در صورت وجود ارزش‌های مشترک دوام بیشتری دارد بسترسازی در زمینه افزایش اعتماد به‌ویژه از طریق راهکارهای اعتمادسازی همچون شفاف‌سازی در بهبود روابط توأم با تحمل و مدارا در بین شهروندان نسبت به هم و نسبت به مسئولین می‌شود همچنین توسعه مهارت‌های اجتماعی، اخلاق گفت‌وگو بامعنی اصرار نکردن به درستی یک نظر و انتقادپذیری، پذیرش افراد را نسبت به هم بیشتر می‌کند. سرانجام با افزایش تحمل اجتماعی آرامش و نشاط اجتماعی و به دنبال آن کیفیت زندگی بهبود خواهد یافت که در راستای اهداف توسعه پایدار شهری می‌باشد.

۶- منابع

• اکبر نیا، الهه سادات. (۱۳۹۴). *رابطه دین‌داری، مدارای اجتماعی بافاصله اجتماعی در بین مسلمانان و مسیحیان شهر تهران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی). دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

• بشیریه، حسین. (۱۳۷۰). *پیش‌درآمدی بر تاریخ اندیشه تساهل سیاسی*. *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۲۶ (۰)، ۱۱۹-۱۵۲.

https://jflps.ut.ac.ir/article_15654_8866bc896584dfc4f79887ccab151d77.pdf

• بهشتی، سید صمد. عزیززاده آرند، فاطمه و کنعانی، زهرا. (۱۳۹۸). *تبیین جامعه‌شناختی رابطه هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی بین شهروندان شهر یاسوج*. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۸ (۹)، ۸۷-۱۰۶.

<http://doi.org/10.22108/srsp.2020.121070.1489>

• بهمن پور، ثریا. (۱۳۷۸). *رابطه نشانگان فرهنگی بر بردباری اجتماعی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد

- Hare, W. (1976). "The Open Minded Teacher. *Teaching Politics*. 5(1),25-32.
https://www.members.tripod.com/william_hare/
- Herslund, L. & Mguni, P. (2019). Examining urban Water Management practices-Challenges and possibilities for transitions to sustainable urban water management in Sub-Saharan cities. *Sustainable Cities and Society*. (48),101573.
<https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101573>
- Ihara, R. & Yamamoto, Sh. (2016). Role of tolerance in communication with diverse people. *Western Regional Science Association*.56(1), 191-202.
<https://doi.org/10.1007/s00168-015-0730-9>
- Janmaat, J. G. & Keating, A. (2019). Are today's youth more tolerant? Trends in tolerance among young people in Britain. *Ethnicities*, 9(19), 44-65.
<https://doi.org/10.1177/1468796817723682>
- Kim, J. & Zhong, Y. (2010). Religion and Political Tolerance in South Korea. *East Asia*.(27), 187-203.
<https://doi.org/10.1007/s12140-010-9112-1>
- King, P. (1976). *Tolerance*, London, George Allen and Er Unwin.
- Kokarevich, M. N. & Sizova, N. Z. (2015). Model of Tolerance of Intercultural Communication. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. (166), 621- 625.
<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.12.584>
- Mutz, D. (2002). Cross-cutting social networks: testing democratic theory in practice. *American political science review*, 96(1), 26-111.
<https://www.jstor.org/stable/3117813>
- Nizah, M. A. M. (2015). On Malaysia's ethnic tolerance: A study of two cities. *Research Journal of Applied Sciences*, 10(8), 294-297.
<https://doi.org/10.36478/rjasci.2015.294.297>
- Phelps, E. (2004). *White Students Attitudes towards Asian American Students at the*
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نشر نی
- کانرتون، پل. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی انتقادی* (ترجمه حسن چاوشیان). تهران: انتشارات اختران.
- مدنی پور، علی. (۱۳۷۹). *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی* (ترجمه فرهاد مرتضایی). تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- معاونت برنامه‌ریزی و توسعه انسانی. (۱۳۹۸). *آمارنامه شهر اصفهان*. اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
- Berggren, N. & Nilsson, T. (2014). Globalization and the Transmission of Social Values: The Case of Tolerance. *Research Institute of Industrial Economics*. 43 (2), 371-389. 1-38.
<https://doi.org/10.1016/j.jce.2015.02.005>
- Corcoran, K. E. & Pettinicchio, D. & Robbins, B. (2012). Religion And the Acceptability of white-collar crime: Across-National Analysis, *Journal for the scientific study of Religion*. 51 (3),542-567.
<https://www.jstor.org/stable/41681810>
- Dunn, K. (2014). Authoritarianism and Intolerance Under Autocratic and Democratic Regimes. *Journal of Social and Political Psychology*, 2(1), 220-241.
<https://jspp.psychopen.eu/index.php/jspp/article/view/4787/4787.html>
- Goldschmidt, V. (1973). Social Tolerance and Frustration: An Analysis of attitudes toward criminals in a changing arctic town. *International Journal of Sociology*. 3 (3/4), 147-163.
<https://www.jstor.org/stable/20629664>
- Goodland, R. (2002). Sustainability human, social, economic and environmental. *Social Science*.(6), 220-225.
<https://www2.econ.iastate.edu/classes/tsc220/hallam/TypesOfSustainability.pdf>

University of Washington: a Study of Social Tolerance and Cosmopolitanism, Dissertation, New York University.

- Voget, W. P. (1997). *Tolerance and education: Learning to live with diversity and difference*. Thousand Oaks, CA: Sage.

نحوه ارجاع به مقاله:

کرمانشاهی، معصومه. هاشمی فر، سیدعلی. و وحیدا، فریدون. (۱۴۰۲). بررسی و تبیین پدیده تحمل اجتماعی در فضای اجتماعی شهر اصفهان. توسعه پایدار شهری، ۴(۱۰)، ۱۰۳-۱۲۳.



DOI: 10.22034/USD.2023.706327



DOR: 20.1001.1.27170128.1402.4.10.6.9

URL: https://usdjournal.daneshpajooan.ac.ir/article_706327.html



Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

Received: 13/05/2023

Accepted: 17/06/2023

Describing the State of Social Tolerance in the Social Space of Isfahan

Masoom Kermanshahi¹, Seyed Ali Hashemianfar^{2*}, Fereydoun Vahida³

Abstract: Urban social life is a mixture of cultures, religions, and ethnicities. On the other hand, due to the ever-expanding social relationships, tolerating differences and nonconformities has become a critical matter. Social tolerance, in conjunction with concepts such as respect and acceptance of diversity, is a tool for regulating the interactions of people and different groups with each other. Anything that has the potential to improve social relations will lead to improved quality of life and social health, guiding society to realize the goals of sustainable development. Based on the theories of Durkheim, Adorno, and Horkheimer, the present study aimed to describe the various social factors affecting social tolerance among citizens of Isfahan, Iran. Subsequently, 461 individuals from the target population were selected by stratified sampling utilizing the G*Power software. The collected data from the questionnaires were then analyzed using SPSS 22. The results showed a direct and significant relationship between religiosity (0.308) and cultural intelligence (0.383) with social tolerance. On the other hand, variables of authorities (-0.250) and stereotype (-0.151) showed a significant, inverse relationship with social tolerance.

Keywords: Urban Life, Religiosity, Social Tolerance, Cultural Intelligence, Authoritarianism.

¹ PhD student, Department of Cultural Sociology, Faculty of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehghan, Iran.

^{2*} Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran; Corresponding Author, [Email:seyedalihashemianfar@yahoo.com](mailto:seyedalihashemianfar@yahoo.com)

³ Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities University of Isfahan, Isfahan, Iran.